



دکتر سید موسی حجازی طبیب اعظم مردم مشهد

تاریخ با اینکه دانشی برای نگهداری گذشته ماست اما معمولا فراموشکار است و گاه به آسانی در لابه لای اسنادش آدم های بزرگ و کارهای بزرگ را از یاد می برد. این است که ما معمولا در نقش آیندگان وظیفه سنگینی برای جستجو و نگهداری نام هایی داریم که ممکن است در هزارتویی تاریخ از یاد بروند و برای همیشه فراموش شوند. یکی از این نام ها که متعلق به تاریخ پزشکی مشهد است. حجازی ست. نامی که در روزگار ما تنها یادآور یکی از بیمارستان های معروف شهر است اما در اصل نام دکتر سید موسی خان حجازی به «طیب اعظم» ملقب بوده است. دکتر موسی خان حجازی در سال ۱۳۲۸ شمسی (حدود ۷۱ سال قبل) بیمارستانی را ویژه بیماران روانی در خیابان سمرقند (خواجه ربیع و به تازگی مشهور به عبادی) با همکاری تولیت آستان قدس رضوی در آن دوره تأسیس می کند. او که بانی بیمارستان دیگری برای بیماران مسلول همک در مشهد است در اصل زاده تهران است و نام پدرش «رضاقلی خان» ملقب به «مستوفی» بوده است. رضاقلی خان، نقاش هم بود و طی بیماری سختی که داشت شبی در عالم خواب و رؤیا، سید جلیل القدری که تصور داشت امام رضا (ع) است می بیند و چهره او را نقاشی می کند. معروف است بیمار بعد از این رؤیا و کشیدن نقاشی حالش به کلی بهبود پیدا می کند. این یادگار اکنون نزد نوه پسری مرحوم موسی خان باقی است. این نوه که برادر نرگس حجازی است اکنون در ایتالیا زندگی و با افتخار از این گنجینه خانوادگی محافظت می کند. مادر سید موسی خان نیز از جمله درباریان عهد ناصری بوده است. او امین ملکه مادر (مهد علیا) بوده و به همین مناسبت توانست برای ۳ فرزند ذکورش از ملکه مادر لقبی در خور شخصیت و مقامشان دریافت کند. لقب پسر بزرگ تر که علی خان بود «دبیر مکرم» شده؛ برای مصطفی خان که پسر دوم بود لقب «بدیع الممالک» و برای موسی خان به واسطه پزشک بودنش لقب «طیب اعظم» می گیرد. موسی خان بعد از پایان تحصیلات اولیه و متوسطه وارد «دارالفنون» می شود. موسی خان شاگردی تیزهوش بود و به زبان بین المللی آن دوره که فرانسه بود تسلط کافی داشت. موسی خان بعد از پایان دوره دارالفنون با توجه به تسلط زبانی و علاقه ای که به علم آموزی داشت به کشور فرانسه برای ادامه تحصیلات سفر می کند و بعد از بازگشت از سفر فرنگ و اتمام تحصیلات در پایتخت مشغول به کار می شود. او در ادامه به واسطه حاذق بودن و انسان دوستی در تهران صاحب شهرت می شود و لابد در آن روزها تصور نمی کرده که روزی مهم ترین ورق های زندگیش در مشهد رقم بخورد اما والی وقت خراسان (فردی به نام معیرالملک) که آوازه دکتر را شنیده بود از او که حالا طبیب اعظم نامیده می شد دعوت می کند به مشهد بیاید و به انجام خدمات پزشکی بپردازد؛ در آن زمان امکانات و خدمات پزشکی در مشهد بسیار محدود بود. شاید از اینجاست که صفحات نو و شکوهمندی در کارنامه زندگانی دکتر

حجازی رقم می خورد. دکتر جوان همراه خانواده اش به عنوان رئیس دارالشفای رازی (درمانگاه رازی) مشغول به کار می شود. در برخی اسناد تاریخی از وی به عنوان مسئول بهداری مشهد در زمان «کلنل محمدتقی خان پسیان» هم یاد شده است که می تواند نشان از آزادگی او باشد. دکتر موسی خان حجازی به عنوان اولین پزشک قانونی مشهد معرفی می شود و تا آخر عمر این عنوان را حفظ می کند. بعد از فوت دکتر این عنوان به فرزند پزشک او (دکتر نصر... حجازی) منتقل می شود. دکتر موسی خان که چند سالی بی همسر بود در مشهد با بانویی به نام «اشرف الملوک دفتری» ازدواج می کند. این بانو، برادرزاده دکتر مصدق- سردار ملی در جریان ملی کردن نفت ایران و قطع خودکامگی بریتانیا از این ثروت ملی- بوده است. ثمره این ازدواج ۳ پسر و ۲ دختر است. فرزند نامدار او دکتر نصر... حجازی، اولین پسر او بوده است. این فرزند به واسطه ارتباط عاطفی با پدر به رشته پزشکی جذب می شود و با تشویق و پیگیری او و سخت کوشی خودش مدرک دکترای پزشکی را از دانشگاه پزشکی تهران دریافت می کند. ۲ برادر دیگر دکتر نصر... حجازی به مشاغل نظامی و کشوری می پردازند.

تأسیس بیمارستان روانی

دکتر موسی خان حجازی در سال ۱۳۲۸ شمسی (حدود ۷۱ سال قبل) بیمارستانی را ویژه بیماران روانی در خیابان سمزقند (خواجه ربیع و به تازگی مشهور به عبادی) با همکاری تولیت آستان قدس رضوی در آن دوره تأسیس می کند. این بیمارستان در زمانی تأسیس می شود که شرایط بیماران روانی به شدت ناگوار و تأثیر برانگیز بوده است. در آن سالها بعضی از دچارشدگان به اختلالات روانی در خیابانها سرگردان بودند و از سوی مردم با رفتاری ناپسند مواجه می شدند و برخی دیگر در مکانی که به قول نوه دکتر موسی خان بسیار نامناسب بود، در دیوانه خانه مشهد نگهداری می شدند. هنوز نام کوچهای به نام «دیوانه خانه» در مشهد برای ساکنان آن حوالی آشناست. دکتر موسی خان سعی می کند وضعیت نگهداری این بیماران بهبود یابد، اما به تجربه درمی یابد که باید مرکزی جدیدالاحداث که دارای استانداردهای روز است، مسئولیت نگهداری و مهم تر از آن درمان این بیماران را بر عهده داشته باشد. بیمارستان یا به تعبیری تیمارستان حجازی در پی این فکر ساخته می شود. ریاست این مرکز درمانی و نگهداری از بیماران روانی، سالها بر عهده دکتر موسی خان و بعد از فوت بر عهده پسر پزشک او (دکتر نصر...) بوده است.

دکتر موسی خان برای تأسیس این بیمارستان با مشکلات متعددی مواجه بود که از آن جمله می توان به مشکلات مالی در نظام دولتی اشاره کرد. او بخشی از هزینه های بیمارستان را خود متقبل می شود. او علاوه بر بخش مالی تأکید داشت بیمارستان باید با اسلوب مدرن و براساس استانداردهای پزشکی در دوره خودش تأسیس شود که نظارت دائمی او در تأسیس و در زمان بهره برداری برای همین موضوع به صورت مستمر وجود داشته است. گفته



می‌شود که دکتر موسی‌خان در دوره بهره‌برداری هم کمک‌های مالی متعددی برای بیمارستان روانی داشته و هزینه نگهداری و درمان بیماران بی‌سرپرست را گاهی می‌پرداخته است.

بیمارستانی برای مسلولان

کمک‌های خیراندیشی دکتر موسی خان تنها برای بیماران روانی نبوده است. او به بخشی دیگر از بیماران که آن سال‌ها نام بیماری‌شان (سل) برای مردم به‌شدت ترس‌آور بوده می‌پردازد و بیمارستانی ویژه آنان (مسلولان) در حوالی شهر مشهد در نقطه‌ای خوش آب‌وهوا (ابتدای سه‌راه طرqbه-شاندیز) راه‌اندازی می‌کند.

ماجرای تأسیس این بیمارستان طبق نقل نوه دکتر موسی خان حجازی این‌گونه است: «دکتر با یکی از دوستان خود (زنده‌یاد توکلی زاده) مشورت می‌کند. او مقداری زمین در منطقه‌ای به نام نوچاه داشته است. این فرد خیراندیش زمین‌هایش را به دکتر موسی خان هدیه می‌کند و دکتر موسی خان زمین‌ها را صرف ساخت بیمارستانی ویژه مسلولان می‌کند.»

بنا به روایت دکتر حمید طوفانی در تنها نوشتاری که درباره تاریخچه زندگی دکتر حجازی باقی مانده است سرانجام با زحمات زیاد ساخت این بیمارستان در سال ۱۳۲۵ شمسی به پایان می‌رسد. هرچند به نظر می‌رسد سال تکمیل بیمارستان ۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹ شمسی باشد.

دکتر موسی خان در کنار انواع خدمات پزشکی چه در پزشکی قانونی و چه ساخت و مدیریت بیمارستان‌های بیماران روانی و مسلولان ۳ مطب را هم اداره می‌کرده است. بیماران بی‌بضاعت معمولاً به این مطب‌ها (معروف به محکمه حجازی) مراجعه می‌کردند و پس از تشخیص برای دریافت دارو به داروخانه‌ای واقع در میدان مجسمه (شهدای فعلی) به حساب دکتر موسی خان معرفی می‌شدند. مطب‌های او اولی در خیابان‌های شاه رضای سابق (خیابان آزادی فعلی) کوچه تلفنخانه، دومی در خیابان خاکی (آخوند خراسانی فعلی) در محدوده گنبد سبز و سومی در تپل محله (بالا خیابان) بوده است. منزل مسکونی او در خیابان سناباد کوچه طاهری هم گهگاهی مرکزی برای رسیدگی به بیماران بوده است.

دکتر عادت داشته خود بر روال امور نظارت داشته باشد. جاده مواصلاتی شهر تا نوچاه چندان مناسب نبود و دکتر به دلیل کمبود خودرو در آن زمانه گاهی با کالسکه و درشکه این مسیر را در سرما و گرما طی می‌کرده است. او در جریان این رسیدگی‌ها دچار سرماخوردگی شدید می‌شود و بیماری‌اش طول می‌کشد و در ادامه دچار سکتة مغزی می‌شود. دکتر نیک‌اندیش این دیار ۲ سال در بستر بیماری رنج و مشقت را تحمل می‌کند و هم‌زمان نابینا



می‌شود. او بالاخره بعد از عمری کوشش و تلاش برای خدمات همگانی به فرودست‌ترین بیماران در تاریخ ۲۳ مرداد سال ۱۳۳۲ شمسی در سن ۷۶ سالگی دار فانی را وداع می‌کند. طبق وصیت، پیکر دکتر در بیمارستان مسلولان حجازی (دکتر علی شریعتی فعلی) به خاک سپرده شده است. مقبره او در باغی واقع در میانه این بیمارستان کماکان در شکلی شکوهمند باقی است.

دکتر نصرالله حجازی ، فرزند موسی خان حجازی

وقتی پسری پا جای پدری با کمالات می‌گذارد و مسیر زندگی‌اش را با فضایل پدری می‌آراید و در تکامل آن می‌کوشد، رشک همگان را برمی‌انگیزد. دکتر نصر... حجازی فرزند دکتر موسی خان هم از این گروه است. این فرزند متولد اردیبهشت ۱۳۰۰ بود و در ۲۱ فروردین ۱۳۶۶ فوت کرده است. او برای تکمیل آموخته‌های پزشکی خود به لندن رفته بود. تخصص او در «پزشکی قانونی و مسمومیت بالینی» بوده است. او سال‌ها در دانشکده پزشکی مشهد هم در رشته بالینی برای دانشجویان تدریس داشته است. همچنین تا سال‌ها دکتر نصر... حجازی رئیس پزشکی قانونی و بیمارستان روانی و همچنین مدیریت درمانگاه رازی را بر عهده داشته است.

بنا به روایت کسانی که او را از نزدیک دیده‌اند دکتر نصر... دارای رفتاری انسان دوستانه و درویش‌مسلک بود. او راه پدر را ادامه داده و به‌طور رایگان مطب‌های او در تپل محله و خیابان حاکی را اداره و بر طبق سنت دیرینه پدری بیماران بی‌بضاعت را بدون دریافت هزینه درمان می‌کرده است. او در دانشکده پزشکی مشهد، محتوای علمی واحدهای مربوط به پزشکی قانونی را تدریس می‌کرده است. مطب شخصی او در خیابان خسروی بوده است.

شنیده‌ها حاکی است به‌واسطه تمکن مالی و افق دیدی که دکتر نصر... داشته است از دانشجویان پزشکی که از شهرستان‌ها به مشهد می‌آمدند و احياناً تمکن مالی لازم را نداشتند حمایت می‌کرده است و نه‌تنها به بیماران رسیدگی می‌کرده که نسل بعد پزشکان این دیار را با آداب انسان‌دوستی و بیمار محوری به نحو عملی آشنا می‌کرده است.